

سخنرانی تاریخی کاک فواد در اردوگاه کانی میران

در زمینه‌ی دستاوردهای کوچ شهر مریوان سیزده‌ی مرداد ۱۳۵۸

ترجمه : رشاد - مصطفی سلطانی

اگر اجازه بدهید، من هم در مورد این رویداد صحبت خواهم کرد. ارزیابی کنیم آیا این رویداد تاکنون بضرمان بوده یا به نفعمان بوده است؟ از برخی از دوستانم شنیده‌ام که می‌گویند: "کاش از همان اوایل کوچ نمی‌کردیم، زیرا در هر صورت و سرانجام قرار است ارتش، وارد شهر گردد." چنین فرض کنید مردی خانه‌ای را می‌سازد، در این زمینه ممکن است مقداری هم بدهکار باشد، یا ضرر کند. اما از طرف دیگر خیالش از کرایه نشینی آسوده گشته و نجات پیدا می‌کند و این وضع مسلماً به نفع اوست. بنده اکنون در صحبت‌هایم توضیح خواهم داد، در تصمیم و کاری که مشغولش هستیم، تا حال حاضر یعنی تا بازگشت ما به شهر مریوان، پیروز و موفق بوده‌ایم. چرا؟ و چه دستاوردهای نصیبمان شده است؟

۱- اولین دستاوردمان سرکوب کردن فریب خوردگان و مزدوران بومی بود، ما آنها را سرکوب کردیم. آیا کسی هست و معتقد باشد این چنین نیست؟

۲- دومین دستاوردمان این است که پاسدارها به هر جایی رفته‌اند و از جمله: نقده، گنبد کاوس و خرمشهر و بشهرها حمله کرده و مردم بیدفاع را کشتار کرده‌اند. اما در اینجا بخاطر قهرمانی‌ها و فداکاری‌های مردم و پیشمرگ‌هایشان، نگذاشتیم پاسدارها وارد شهر شوند. پاسدارها آرزومند بودند که باحمله و جنگ وارد شهر شوند، اما تلفات زیادی را متحمل شدند و سرانجام نتوانستند بشهر وارد شوند. در این مورد نیز موفق و پیروز بودیم.

۳- سومین دستاوردمان، یگانگی و اتحاد است، که هم اکنون در میان توده‌های

مردم بوجود آمده و شکل گرفته است. اتحادی که نمونه‌ی آن تا کنون دیده نشده است. ما در آینده برای پیشبرد همه‌ی کارهای دیگرمان، به چنین اتحادی نیاز داریم. امروز در باره اتحاد با چند نفر از پدران و برادران، گفتگو و صحبت می‌کردیم، که بهر شیوه و قیمتی شده این اتحاد را ارج نهاده و آنرا حفظ کنیم. حتی پیشنهاد بعضی از آنها این بود که قبل از بازگشت به شهر مریوان برای همدیگر سوگند یاد کنیم. این احساس مسئولیت نسبت به یگانگی و اتحاد بوده و، فوق العاده گرانبها است. نقش و تاثیر این اتحاد باعث می‌گردد، هر شهروندی مریوانی مورد ظلم و ستم قرار گرفت، تمام ساکنین شهر، بعوض اقوام و خویشاوندانش از او دفاع کنند. باید این یگانگی و اتحاد را با جان و دل حفاظت کنیم. اما شهر مریوان در این زمینه و رویداد تاریخی تنها نبود.

و ۴- یکی دیگر از دستاوردهایمان، که خودتان شاهد عینی آن بودید، حمایت و پشتیبانی برادران روستائی و زحمتکشان دهات بود. آنها از همه‌ی جوانب و به اشکال گوناگون به کمکمان

آمدند . تامین تدارکات و مواد خوراکی روزانه و هرگونه کمکی که از دستشان بر آمد و برایشان ممکن بود، نسبت به ما دریغ نکردند. (ما همه‌ی مواد خوراکی و آذوقه‌ای که در انبارهایمان داریم، سپس و بتدریج در بین مردم تقسیم خواهیم کرد .)

۵- پنجمین دستاوردمان در این مبارزات یکپارچگی و اتحاد، مابین توده‌های مردم شهر و روستا بود و ، در منطقه‌ی مریوان خیلی محکم تر شده‌است و این هم دستاورد دیگری برای آینده است . با این وصف این اتحاد تنها در منطقه‌ی مریوان تجلی پیدا نکرد. کدام یکی از شماها، مارش عظیم خواهران و برادران سنندجی را از یاد می برید و فراموش می کنید که اسلحه بر دوش ، مدت شش شبانه‌روز بمنظور پشتیبانی و همدردی با مردم کوچ کرده، بطرف مریوان راهپیمائی کردند. هم اکنون نزدیک هشت صد نفر از رفقای سقز، بانه، بوکان، مهاباد و سردشت در حال راهپیمائی بسوی مریوان هستند. این اتحاد و یگانگی در پهنه‌ی کردستان تاکنون بی نظیر بوده است . این اتحاد برای آینده مبارزات ملت کرد هم، بمنظور رسیدن به اهداف و مقاصدش ، از هر چیزی لازم تر است . ششمین دستاورد دیگرمان چنین است

. همه‌ی ما واقفیم که مهمترین اسلحه‌ی خلق های ایران، بمنظور سقوط رژیم شاه نیز اتحاد بود . اگر ما هم اتحادمان را ارج گذاشته و حفظ کنیم ، نیروی ارتش نیز مضاعف گردد ، یارای مقابله با ما را نخواهد داشت . این دستاورد دیگری در مبارزاتمان بود .

۷- هفتمین دستاوردمان ، پشتیبانی خلق های ایران از جنبش عادلانه و مبارزات ما می باشد . همان روزی دوستان سنندجی با پای پیاده و راهپیمائی به اینجا رسیدند ، شماها با چشم خودتان مشاهده کردید که در همین اردوگاه کانی میران ، علاوه بر مردم کردستان، تعدادی نماینده از شهر های دیگر ایران نیز از شهرهای : خرمشهر ، شیراز و تهران آمده بودند . بیاد دارید همین نماینده‌ها شعار میدادند : همه‌ی ایران را مانند کردستان متحول خواهیم کرد ! و مبارزات و اعتراضات سراسرایران را بسطح کردستان میرسانیم ! بیاناتشان این بود ،و آنها پشتیبان ما بودند . همانطور که مطلع هستید هم اکنون چند پزشک مهمان ما هستند . این دکتورها از کجا آمده‌اند ؟ همه‌ی این پدیده‌ها و واقعیتهای نشان میدهند که ما مردم مریوان با تلاش های مستمر و یکپارچگی و اتحادمان، توانسته‌ایم پشتیبانی خلق های ایران را بسوی خودمان جلب کنیم . و این کمکها و پشتیبانی از این به بعد نیز ادامه خواهد داشت . در روزنامه خوانده‌اید که مردم سیستان و بلوچستان ، که در قسمت جنوب شرقی ایران زندگی می کنند ، بخاطر و در راه ما ، فداکاری کرده‌اند . ما هرگز نباید این فداکاری و پشتیبانی خلق های ایران را فراموش کنیم . باید در روز مناسب و تا آن سطحی که از دستمان بر می آید در حقشان فداکاری و جانفشانی کنیم .

۸- هشتمین و یکی دیگر از مهمترین دستاوردهایمان این بود ، که خواست های ملت کرد ، در سطح وسیعی در برابر دولت مرکزی مطرح گردید . در همین راستا ماهیت و مواضع دولت مرکزی نسبت به خلق کرد ، ظلم و تعدی میکند و، با ما می‌جنگد و باتانک و توپ بما حمله می کند، در برابر افکار عمومی خلق کرد و سپس خلق های ایران افشاء و معلوم گشته‌است . در تبلیغات و پروپاگانده‌ی رادیو تله فیزیون مارا وحشی، کافر و یاغی خطاب می کنند . برای نمونه شروع و آغاز سخنان آن شب چمران جانشین نخست وزیر، این بود که می گفت : وقتی می بینم شماها

نماز می خوانید و روزه می گیرید نمیتوانم باور کنم و تعجب می کنم . دوستانی که در جلسه حضور داشتند شنیدند که چمران چنین گفت . همین سم پاشی ها و تبلیغات زهر آگین را در رادیو و تله فیزیون هایشان تکرار می نمایند . انسان های ساده لوح و مردم عادی کوچه و بازار در تهران ، قم و شیراز به چنین تبلیغات وسم پاشی هائی باور می کنند. ماباید تلاش کنیم بر روی افکار عمومی مردم عادی، تاثیر گذاشته و آنها را آگاه سازیم . در عین حال آگاه‌گری بشیوه‌ای تاثیر گذار باشد که بعداً و در آینده بعنوان مجاهد و داوطلب برای سرکوب و جنگ بکردستان نیایند . ماباید صبر و تحمل داشته و سبک کاری اتخاذ نمائیم که مردم ساده را آگاه سازیم . ایت الله لاهوتی می گفت: مجاهدینی که از خانه خویش بیرون می آیند ، با خواهر و مادرشان خداحافظی شهید شدن را می کنند . حقیقتاً آنها را شستوی مغزی و تحریک نموده و با چنان نیت و بد بینی روانه‌ی کردستان می گردند . اگر اکثریتشان آگاه شوند ، بجنگ نمی آیند . البته بعنوان یک واقعیت عینی اگر برای جنگ و سرکوبمان آمدند ، با آنها خواهیم جنگید و چگونه مزدوران بومی و فریب خوردگان را تار و مار کردیم آنها را نیز تار و مار خواهیم کرد .

۹- نهمین دستاورد این بود که ، دولت مرکزی شورای منتخب ما رابرسمیت نمی شناخت . و ادعا داشتند که شورا آشوبگر بوده است . (در حالیکه همه میدانند که این ادعا دروغ محض است و ، مردم همه باهم در این مبارزات شرکت و حضور دارند و مخصوصاً روز ۲۳ ی مرداد* جنگ بوقوع پیوست و ، روز ۲۶ مرداد شورا تشکیل گردید .) باتمام تفاسیل آنها مجبور شدند ، اعتراف کنند که، شورای منتخب مریوان موجودیت دارد و سرانجام شورا را قبول و برسمیت شناختند . و ناچار بودند با شورا گفتگو و مذاکره نموده و، پیمان و پلاتفورم صلح را با شورا امضا کنند. از هنگام سقوط رژیم شاه تاکنون، کدام مامور و نماینده کوچک وبزرگ دولت، قبول کرده و راضی شده که بشهر مریوان بیاید و با نمایندگان منتخب مردم مریوان گفتگو و مذاکره کنند ؟ هرگز نمی آمدند ! اما تلاش صادقانه و مبارزات ما ، باعث گردید که در اوایل رئیس سپاه پاسداران و سپس آقای " لاهوتی" و بعداً نمایندگان وزارت کشور مجبور شوند و بمریوان بیایند . در حقیقت کسانی از بلند پایه ترین مهره ها و ماموران حکومت ناچار شده‌اند و پذیرفته‌اند، که بمریوان بیایند و باما مذاکره و گفتگو کنند. و به نظرات و خواست هایمان گوش دهند . بعد از همه اینها، جانشین نخست وزیر را ناچار و مجبور کردیم که به مریوان بیاید . مطلقاً ما بحضور آنها نرفته‌ایم . در عین حال آنها را ناچار و مجبور کرده‌ایم ، بشهر مریوان بیایند وبا ما گفتگو و مذاکره انجام دهند .

۱۰- دهمین دستاوردی که علاوه بر دستاوردهای قبلی داشته‌ایم ، بدین نحو بوده است . اگر در این مدت به رادیوهای خارجی گوش داده باشید شنیده‌اید که اخبار و جریانات مریوان و کردستان در سطح جهان منعکس و پخش گردیده‌است . همین خبر رسانی رادیوهای خارجی ، بنحوی در افکار عمومی مردم دنیا تاثیر گذاشته که دیدگاهشان نسبت به حقوق و مسله‌ی ما، روشن تر شده‌است . اینها همگی دستاورد بحساب می آیند و، نباید آنها را بفراموشی بسپاریم .

چنین تصور نکنید که کار کوچکی کرده‌ایم. آنهایی که از سنج و با پای پیاده مدت شش شبانه روز بطرف مریوان راهپیمائی کردند، این شعار را میدادند:

" مریوان، مریوان! سنگر آزادگان!"

ما باید فداکارانه و قهرمانانه و بموازات آنهایی که از همه‌ی مناطق کردستان و ایران از ما دفاع و پشتیبانی میکنند، دستاورهایمان را نگهداری و حفاظت نمائیم. " مریوان باید حتماً و همیشه، سنگر آزادگان باشد!"

اما همانگونه در اوایل صحبت‌هایم عرض کردم، کسی که خانه‌ای میسازد، ممکن است با ضرر نیز روبرو شود و بدهکار گردد. طبعاً تلاش و کار ما نیز در کوچ، بهمان شیوه بوده است. ضرر کارمان این بوده است، که ارتش وارد شهر می‌گردد و نمیگذارد هیچ‌کسی در داخل شهر اسلحه حمل کند. البته در بیرون شهر چنین نیست و مردم می‌توانند اسلحه حمل کنند. در زمینه‌ی نگهداری و حمل اسلحه هایتان، هر کسی از وجدان و ضمیر خودش سوال کند، اگر در حقیقت اعتماد و اطمینان و آرامشی می‌بود، اگر مزدوران و فریب خوردگان بومی، بسوی مردم شلیک نمی‌کردند و در خیابان‌ها مردم را بگلوله نمی‌بستند، دیگر چه لزومی داشت کسی در شهر، اسلحه همراه داشته باشد؟ اگر نمایندگان و ماموران دروغ‌نگویند و در عمل نگذارند که مزدوران بومی مزاحمت ایجاد کنند، ما چه نیازی به نگهبان داشتیم! اگر هم آنها پیمان را شکستند، هیچ‌کسی نباید آن اندازه جبون و ترسو و خوش‌باور باشد که اسلحه‌ی خودش را در جایی بگذارد و دشمن بیاید و آنرا مصادره و بر دارد. بلکه باید جایی مطمئن برایش تدارک دیده و، اسلحه را بخوبی نگهداری کند. پیداست اگر بجای ارتش ما خودمان آن وظایف را انجام میدادیم بهتر بود. اما همانطوریکه قبلاً بعضی از دوستان نیز گفتند، ما نتوانستیم این اراده و خواست را بر آنها تحمیل کنیم. چندین روز است که ما بدون استراحت با آنها، مشغول بحث و مذاکره و گفتگو هستیم. آنها چند بار میز مذاکره و گفتگو را جا گذاشته و جلسه را ترک کرده‌اند و تاکنون چندین هیئت و گروه مختلف آمده‌اند و رفته‌اند. اگر ما در زمینه‌ی آن درخواست خیلی اصرار و پافشاری میکردیم، می‌بایست خودمان را برای جنگ آماده میکردیم. ما هم بعنوان شورای منتخب مریوان، هر اندازه موضوع را سبک و سنگین کردیم به این توافق رسیدیم که اکنون این جنگ بنفع ما نیست و فعلاً نباید با آن مشغول شویم. این را نیز مد نظر داشته باشید، اگر ما با آنها به توافق نمیرسیدیم، جمعی در میان ما، کاسه صبرشان لبریز می‌گشت و از ما جدا می‌شدند. بخاطر اینکه اتحادمان، استوار و پایدار بماند، لازم دانستیم شیوه و سبک کار را عوض کنیم. بغیر از فاکتورهای نامساعد، رژیم خطاب به مردم مناطق مختلف ایران، در رادیو و تله‌فیزیون هایش تبلیغات وسیعی را بر علیه ما راه انداخته است. ما بعد از این توافق، برای خنثی کردن تبلیغات و دروغ‌پردازی‌های دولت مبارزه و اقدام خواهیم کرد. آنها وعده و قول شرف داده‌اند (اگر شرف داشته باشند!) که ارتش تا یک ماه دیگر در شهر خواهد ماند و در آن مدت نیز، افراد ارتشی بدون اسلحه در شهر خواهند بود. و شورای مریوان بعد از سپری شدن یک ماه، شهربانی را جایگزین و مستقر خواهد کرد و ارتش بدون پادگان بر میگردد پیداست همگی

ما از اینکه ارتش بشهر مریوان وارد خواهد گردید ناراحت هستیم . اما حقیقتاً معتقدم اگر در مجموع محاسبه و ارزیابی کنید، صدی هشتاد ۸۰٪ پیروز و موفق بوده‌ایم . چنین تصور نکنیم که، شکست خورده‌ایم . آنها ناچار و مجبور بودند اکثریت خواست ها و نظرات ما را قبول و بپذیرند . اما یک مسئله را در مورد دولت فراموش نکنیم ، که نیروی سرکوب و قدرت نظامی دارد . ما برای رسیدن به اهداف وخواست هایمان یک راه اصولی و اساسی را در پیش رو داریم، آنهم اتحاد خودمان است . و ضرورت دارد با روستا های دور و نزدیک ، با مردم سایر مناطق کردستان ، با خلق های ایران ، با نیرو های مترقی و آزادیخواه ایران نیز اتحاد داشته باشیم . مبارزات کنونی ما ، تا حدودی به آن اهداف و خواست ها رسیده است و ، باید بعد از این نیز بر همین روال ادامه دهیم . اینها مجموعه‌ای از دستاوردهای خوب و تجارب تلخ مبارزاتمان بود که بنظرم رسید . اکنون مسئله‌ی دیگری در مورد دوستان سقزی و بانه‌ای مطرح است که، در راهند و مصمم هستند راهپیمایشان را ادامه دهند و به شهر مریوان برسند . باید تصمیم نهائی را بگیریم ، آیا به شهر برگردیم بلکه ، در اردوگاه کانی میران منتظرشان باشیم و از آنها استقبال کنیم ؟ یا اینکه بشهر برگردیم و در آنجا از آنها استقبال کنیم ؟ من معتقدم استقبال از آنها در شهر مریوان بهتر است . نظرات شماها چیست و چه تصمیماتی دارید ؟ استدعای دیگری دارم و تقاضا می کنم اگر این پیمان و صلح را قبول دارید و می پسندید، باید به آن وفادار و متعهد بوده و آنرا اجرا نمائیم . بگذار مشخص و معلوم گردد چه کسی توطئه گر است ، چه کسی مزدور است و آشوبگری می کند .

زنده باد برادریمان !

روشنگری و اطلاعات لازم :

- ۱- کوچ تاریخی شهروندان مریوان : ساکنین شهر مریوان در اعتراض به دولت جمهوری اسلامی ، در حرکتی تاریخی شهر را روز ۳۱ تیر ماه تا ۱۴ مرداد ماه ۱۳۵۸ خلوت کرده و کوچی تاریخی را ترتیب دادند . و در چند کیلومتری شهر و در مکانی بنام " کانی میران " اردوگاهی دروست کردند . این نافرمانی مدنی و اعتراض مدرن ، توسط کاک فوآد و یارانش رهبری گردید . ژنرال مصطفی چمران نماینده خمینی در آخرین دیدار و گفتگوش با کاک فوآد گفته بود: ما برای رزم آمده‌ایم ، نه برای بزم ! " کوچ نمود برجسته‌ی نافرمانی مدنی در کردستان بود و انعکاس جهانی یافت و ، این تاکتیک جنگ تحمیلی فاشیسم اسلامی بر مردم کردستان را ، بمدت کوتاهی بعقب انداخت . انقلابیون و آزادگان مریوان بر دروازه‌ی اردوگاه کانی میران این شعار را با خط درشت نوشته بودند . " ما سر جنگ با کسی نداریم ، اما تسلیم زورگوئی رژیم نیز نخواهیم شد ! "
- ۲- واقعه‌ی ۲۳ تیرماه ۱۳۵۸ در مریوان : افراد سپاه پاسداران در ساختمان جدید ساواک مستقر گردیدند . در واقع این ساختمان مرکز توطئه‌ها ، دفاع از فاشیسم اسلامی و مخالفت با دموکراسی و آزادی بود . افراد مکتب قرآن در پروسه‌ی همکاری با پادگان مریوان و قیاده موقت و، تائید سم پاشی ها و تبلیغات زهرآگین رادیو تله‌ویزیون دولتی، که در مخالفت با جنبش انقلابی کردستان پخش میگردید ، فعالیت خویش را به این ساختمان انتقال دادند . اتحادیه دهقانان ، جمعیت

دفاع از حقوق خلق کرد، سازمان پیشگام، شورای زنان، کانون دانش آموزان و دانشجویان و اتحادیه کارگران بیکار، در اطلاعیه‌ای شهروندان مریوان را به راهپیمائی دعوت کرده تا در تظاهراتی در مخالفت با تبلیغات رادیو و تله‌ویزیون شرکت کنند. شهروندان به این دعوت پاسخ مثبت داده و موج عظیمی از اقشار و طیف‌ها و زحمتکشان و کارگران در آن شرکت نمودند. توده‌های مردم با شعار و پلاکارد مانند سیلاب بهاری بطرف ساختمان رادیو تله‌ویزیون راه افتادند. در آنجا بامحکوم کردن تبلیغات رژیم، قطع نامه‌ای خوانده شد و از طرف تظاهرات کنندگان تایید گردید. سپس مردم معترض، در برگشت به خانه‌های خویش، از جلو ساختمان سپاه پاسداران عبور کردند. سنگر بندی افراد سپاه و اعضای مکتب قران، مردم را سریعاً خشمگین و تحریک کرد. و توده‌های مردم از برگشت منصرف شدند و تحریکات آنها، خالق اتمسفری جنگ افروزانه در میان تظاهرکنندگان بود. توده‌های معترض، که فوق العاده عصبانی و خشمگین بودند از آنها خواستند که تسلیم شوند. افراد سپاه و مکتب قران در وهله‌ی اول حاضر شدند که اسلحه‌هایشان را بمردم تحویل دهند و تسلیم شوند. چند نفر در میان جمعیت حاضر شده که تفنگ‌ها را از آنها تحویل بگیرند و مانع از تحقیر و بی حرمتی به آنها شوند. افراد مسلح مکتب قران در ساختمان ساواک، بسرعت از مواضع خویش منصرف شده و بسوی مردم تیراندازی کرده و سه نفر را بشهادت رساندند. کنترل وضع، امکان پذیر نبود و مردم بسوی ساختمان هجوم کرده و تیراندازی بین مردم و افراد مکتب قران شروع گردید. و مدتی نگذشت که مقرسپاه تسلیم گردید و در این راستا چند نفر از افرادشان کشته شدند. مردم بدینگونه از کرامت شهر مریوان دفاع کرده و توانستند بساط و مرکز توطئه‌گری را برای مدتی تعطیل کنند. دیری نپائید که رژیم شهر را اشغال کرد و افراد مکتب قران، باچشمان بسته و پوشش جبونانه و رویاه صفتانه در جوار سپاه پاسداران، افراد انقلابی را در مسیرهای خروجی شهر اسیر و تحویل زندان پادگان دادند. همکاری مستقیم مکتب قران با فاشیزم اسلامی، آشکار تر گردید. آنها با پادگان مریوان دفاع از جمهوری اسلامی و خلخال، در دادگاه‌های چند دقیقه‌ای^۹ انقلابی رادر بشهادت رساندند.

20151019